

اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

کرم‌اله دانش‌فرد *

مریم ادیب‌زاده **

چکیده

مردم جهت رفع نیازهای خود، به‌خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. اعتماد سیاسی شهروندان به حاکمان و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنها از سرمایه‌های مهم اجتماعی برای نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌رود که اکثر سیاستمداران در پی افزایش کمی و کیفی آن برای حل معضلات داخلی و بین‌المللی خود با هزینه‌های اندک هستند. در اکثر پژوهش‌ها اعتماد سیاسی فقط با مجموعه‌ای از شاخص‌ها در یک پیمایش سنجیده می‌شود، اما در هیچ موردی، مقایسه‌ای بین شاخص‌ها صورت نگرفته است. پرسش اساسی مطالعه حاضر این است که چه تفاوت‌هایی میان سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ در این مقاله سعی شده تا با مطالعه شاخص‌ها ضمن مقایسه آنها، به بستر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نیز توجه شود. برای این منظور طی مطالعه‌ای توصیفی^۱ تحلیلی، مقایسه‌ای میان سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. با بررسی و مطالعه متون مختلف شاخص‌های متفاوتی که برای سنجش اعتماد سیاسی به کار می‌رفت، استخراج شد. مقایسه حاکی از آن است که بسیاری از کشورها برای سنجش اعتماد سیاسی شاخص‌های مربوط به سطح فرهنگی و اقتصادی خود را در نظر می‌گیرند. در حالی که در ایران هنوز کاری در رابطه با تعیین مقیاس خاص صورت نگرفته است. کشورهای توسعه‌یافته با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و فرهنگی خاص خود اقدام به تعیین شاخص و سنجش اعتماد سیاسی کرده‌اند. در ایران متغیری مانند دینداری مسئولان سیاسی با توجه به بافت مذهبی ایرانیان مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که برای سنجش اعتماد سیاسی استفاده از الگوی بومی می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی

اعتماد، اعتماد سیاسی، شاخص‌های سنجش اعتماد سیاسی، نهادهای سیاسی، اطمینان سیاسی

* دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: cdaneshfard@yahoo.com

** دانشجوی مقطع دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: adibzadeh_manager@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۵

تاریخ ارسال: ۹۴/۸/۳۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۷۹ / تابستان ۱۳۹۵ / صص ۱۳۶-۱۱۷

جستارگشایی

مردم برای رفع نیازهای خود، به خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی روزبه‌روز بیشتر می‌شود، به نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیرممکن است. از طرفی دولت‌ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند. بیشتر دولت‌های امروزی منتخب مردم هستند و دوام و بقای آنها وابسته به حمایت و خواست مردم است که این امر بدون وجود اعتماد امکان‌پذیر نیست (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۵۳). در مقابل، اعتماد عمومی نسبت به دولت برای مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی اهمیت دارد؛ زیرا پشتیبانی از تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و همین‌طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان نقش محوری ایفا می‌کند (زاهدی و خان‌باشی، ۱۳۹۰: ۹۶-۷۳). اعتماد سیاسی شهروندان به نخبگان حاکم و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنها از سرمایه‌های مهم اجتماعی برای نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌رود که اکثر سیاستمداران در پی افزایش کمی و کیفی آن برای حل معضلات داخلی و بین‌المللی خود با هزینه‌های اندک هستند (هرسیچ، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۳۹).

افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود و در عوض، کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار) عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود؛ به همین دلیل، اعتماد سیاسی همیشه یکی از کانون‌های توجه مسئولان بوده و به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۵۳).

در زمینه سنجش اعتماد سیاسی شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود، اما موردی که این مقاله را از سایر مقالات متمایز می‌کند این است که در اکثر پژوهش‌ها اعتماد سیاسی فقط با مجموعه‌ای از شاخص‌ها در یک پیمایش سنجیده می‌شود، اما در هیچ مواردی مقایسه‌ای بین شاخص‌ها صورت نگرفته است که خود یک خلأ تحقیقاتی است. همچنین سعی شده است تا با مطالعه شاخص‌ها ضمن مقایسه آنها به بستر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نیز توجه شود. علاوه بر این، مقاله سعی می‌کند تا به پرسش‌های نظیر اعتماد سیاسی را چگونه و با چه شاخص‌هایی می‌توان سنجید؟ و وضعیت اعتماد سیاسی در کشورهای مختلف چگونه است؟ پاسخ مناسبی بدهد.

با توجه به بررسی متون صورت گرفته، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹) و (۱۳۸۲) و پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران (۱۳۸۴) سه تحقیق ملی هستند که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران انجام شده‌اند. شواهد تجربی این سه پژوهش ملی دلالت بر آن دارند که اعتماد کم به نهادهای حکومتی از ۱۸/۸۵ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. اعتماد زیاد به نهادهای حکومتی از ۳۶/۶ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است (ساعی، ۱۳۹۲: ۸۶-۵۹ و ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۷۹ و همان، ۱۳۸۲).

اعتماد سیاسی همواره یکی از کانون‌های توجه مسئولان بوده که به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند، ولی تحقیقات و مطالعات صورت گرفته در ایران از سیر نزولی اعتماد سیاسی از اوایل انقلاب تاکنون حکایت دارد. به‌گونه‌ای که اعتماد سیاسی که در سال ۱۳۶۵ به ۸۱ درصد رسیده بود، در سال ۱۳۸۳ به کمتر از نصف این میزان رسیده است. این کاهش هم شامل اعتماد به کنشگران و هم نهادهای سیاسی می‌شود. عوامل متعددی بر کاهش یا افزایش اعتماد سیاسی تأثیر می‌گذارند که از جمله آنها دین است. دین در نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک، به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر اعتماد مطرح بوده است. دین با آموزه‌های خود و تعالیمی که به پیروان می‌دهد و ارزش‌هایی که مطرح می‌کند و همچنین پاداش و تنبیهاتی که برای اعمال نیک و بد در نظر می‌گیرد، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام امور از جمله افزایش و یا کاهش اعتماد سیاسی داشته باشد. در ایران تحقیقی با هدف پاسخگویی به پرسش‌هایی در خصوص مشروعیت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن و نیز میزان مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. این پژوهش با انتخاب ۱۰۶۱ نفر از طریق نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم، از سه شهر تهران، مشهد و یزد با روش پیمایشی، به سنجش مشروعیت سیاسی در جامعه آماری بالا دست زد. این تحقیق که در آن اعتماد سیاسی به‌معنای تأیید جمعی بازیگران و به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده بود، نشان داد میانگین اعتماد سیاسی در تهران ۳۴، در مشهد ۴۱، در یزد ۴۳ و در کل ۳۹ درصد است. رابطه دینداری (تجربه دینی) با مشروعیت سیاسی نیز در این تحقیق مثبت بود. ۷۱ درصد معتقد بودند که در آینده صفات اخلاقی مثبت کمتر خواهد شد و ۸۷ درصد نیز معتقد بودند که در آینده صفات اخلاقی منفی رواج خواهد داشت. ۶۹ درصد اعتقاد داشتند که مردم در گذشته بیشتر نماز می‌خواندند و ۷۹ درصد نیز معتقد بودند که مردم نسبت به گذشته غیرمذهبی‌تر شده‌اند. ۷۴ درصد نیز بیان داشتند که مردم در آینده غیرمذهبی خواهند شد. اطلاعات و

داده‌هایی که در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش ایرانیان به دست آمد، تصویری جامع از وضعیت نگرش مردم به جامعه و موقعیت خود به عنوان یک عضو اجتماع در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه داده است. آنچه به عنوان داده‌ها در این پیمایش ذکر شده، نگرش مردم به خود و جامعه بوده است. در واقع، پیمایش و نگرش‌های ایرانیان مبنایی را در اختیار قرار می‌دهد تا نسبت به قضاوت و داوری مردم از وضعیت و موقعیت خود در جامعه آگاهی یابیم. شاید با تکیه بر این اطلاعات بتوان نموداری از آنچه که رویکرد مردم تلقی می‌شود، ترسیم کرد و بر آن پایه از نگرش‌های آنان به نهادهای اجتماعی و تلقی آنان از این عرصه اطلاع یافت (پناهی و شایگان، ۱۰۸: ۱۳۸۶-۷۳).

در پژوهشی با عنوان «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی» که در سال ۱۳۸۹ انجام شد، نتیجه حاکی از این بود که نحوه عملکرد و میزان جلب اعتماد مردم به وسیله بوروکراسی‌ها می‌تواند معیار یا ملاکی برای ارزش‌گذاری و تعیین اعتماد سیاسی باشد (زاهدی، ۱۳۹۰: ۹۶-۷۳). در پژوهش دیگری این‌طور نتیجه‌گیری شد که سه عامل فرهنگی، نهادی و فردی در کاهش اعتماد سیاسی مؤثر است (هرسیج، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۳۹). در پژوهش دیگری نتیجه این‌طور بیان شد که متغیر وابسته (اعتماد سیاسی) نشان می‌دهد میانگین کلی اعتماد سیاسی در میان پاسخگویان ۳۷ درصد است و میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی به ترتیب برای نظام سیاسی ۴۵/۳ اعتماد به کنشگران سیاسی ۳۱/۲ و اعتماد به نهادهای سیاسی ۳۴/۶ درصد است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین اعتماد سیاسی و دینداری رابطه مثبتی وجود دارد (طالبی، ۱۳۸۷: ۲۰۸-۱۷۹). همچنین نتیجه پژوهش دیگری حاکی از این بود که ضریب همبستگی اعتماد سیاسی و برداشت افراد از عملکرد نهادهای سیاسی ۰/۷۴ است در حالی که این ضریب درباره رابطه اعتماد فردی با اعتماد سیاسی ۰/۳۵ است و نظریه خرد نهادی بیشتر می‌تواند اعتماد سیاسی را توضیح دهد (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۲۱۶-۱۸۹).

در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی» که در کشور ایتالیا انجام شد، عواملی مانند مشارکت اجتماعی- رابطه با انجمن‌ها و اعتماد سیاسی بررسی گردید. نتایج حاکی از این بود که هر چه جامعه مدنی‌تر، سرمایه اجتماعی بیشتر و در نتیجه اعتماد سیاسی و اجتماعی نیز بیشتر است (Putnam, 1995: 664- 683).

در تحقیق دیگری با عنوان «اعتماد سیاسی در پنج کشور پیشرفته» عواملی مانند اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به بروندهای سیستم، اعتماد به دروندهای سیستم بررسی شد،

نتایج حاکی از آن بود که بیشتر افراد تحصیلکرده نسبت به سیستم سیاسی نگاه چندان مثبتی ندارند و اعتماد سیاسی در میان مردم کشورهای مختلف، متفاوت است (Almond, 1972). تحقیق دیگری با عنوان «منشأ اعتماد سیاسی چیست؟» انجام گرفت که عواملی نظیر فرهنگ، جامعه‌پذیری افراد، ارزیابی عملکرد دولت، سطح تحصیلات و اندازه شهر در آن بررسی شد، نتایج این‌طور بیان گردید که عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، ساختار اجتماعی میزان جامعه‌پذیری و عملکرد سیاسی از مقوله‌های اصلی در موضوع اعتماد هستند (Mishler, 2001: 30-62).

۱. تعاریف و مفاهیم اعتماد

اعتماد از جمله مفاهیمی است که تعریف آن کاری سهل و ممتنع است. سهل از آن جهت که دانشمندان مختلف تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند و ممتنع از آن جهت که باوجود تعاریف متعدد، سنجش آن کاری بس دشوار است. به‌عنوان مثال، لاهمان^۱ اعتقاد دارد که اعتماد انتظاراتی است که افراد دوست دارند به دیگران نشان دهند که این انتظارات می‌تواند در جهت منفعت خود فرد باشد (Luhmann, 1979: 208). وین/ستوک^۲ اعتقاد دارد که وجود اعتماد برای جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی در جامعه امری ضروری و غیرقابل اجتناب است (Sabine, 2004: 640-660). گوردون^۳ در این باب بیان می‌کند که اعتماد یک انتظار مثبت است و این انتظار مثبت زمانی تحقق می‌یابد که فرد مقابل در گفتار و رفتار و تصمیم‌های خود منفعت شخصی را لحاظ نکند (Gordon, 2000: 297-310). برگ^۴ نیز بیان کرد که اعتماد یعنی افراد انتظار رفتارهای مثبت از بخش‌های مختلفی را داشته باشند که ضرر و منفعت خود را به‌دست آنان سپرده‌اند (Burg, 2005: 465-486)؛ اما از دید نیهان^۵ اعتماد به بخش‌های مختلفی از جمله اعتماد بین فردی، گروهی، سازمانی، بین‌سازمانی، اعتماد سیاسی، اعتماد اجتماعی، اعتماد زبردست به بالادست در محیط‌های اداری و اعتماد همکاران نسبت به یکدیگر تقسیم می‌شود (Nyhan, 2000: 87-109).

-
1. Luhman
 2. Wenstok
 3. Gordon
 4. Burg
 5. Nyhan

۱-۱. اعتماد سیاسی

در ادبیات بررسی شده اعتماد با توجه به نظرات پانتام،^۶ گیدنز،^۷ فوکویاما،^۸ میزتال،^۹ باربر،^۹ اعتماد به انواع مختلفی مانند اعتماد بنیادی، سازمانی، بین شخصی، عمومی، سیاسی و اعتماد به مشاغل و مناصب به عنوان اعتماد اجتماعی مطرح شده است (کتابی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۹۷).

در باب اعتماد سیاسی نیز، دانشمندان تعاریف متعددی را ارائه داده‌اند. از آن جمله، فوکویاما اعتقاد دارد که برای ایجاد اعتماد سیاسی نیاز به درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی داشته که هر سه بُعد باید بر ارزش‌های اجتماعی تأکید کنند (Fukuyama, 1995: 357). اعتماد سیاسی از منظر هترینگتون،^{۱۰} حدی از باور و اعتقاد شهروندان در مورد توانایی و موفقیت سردمداران سیاسی در برآورده کردن انتظارات آنهاست. وارن نیز معتقد است که اعتماد سیاسی زمانی تحقق می‌یابد که مردم جامعه از رهبران سیاسی خود پیروی کنند (Hetherington, 1998: 791-808). به‌طور کلی ادبیات اعتماد سیاسی با سه مفهوم مواجه است که عبارتند از: اثربخشی سیاسی، اطمینان سیاسی و اعتماد سیاسی که برای تفهیم بهتر این سه عبارت توضیح داده می‌شود.

مفهوم اثربخشی سیاسی نقطه مقابل از خودبیگانگی سیاسی است و نشانگر احساساتی است که شهروندان هنگام اثرگذاری روی حوادث سیاسی کسب می‌کنند که این احساس به درک فرد از توانمندی خود بازمی‌گردد، نه تأثیری که آن بر مسائل سیاسی دارد (Prewitt, 1972: 225). اطمینان سیاسی نیز به احساسی که افراد یک جامعه در مورد رهبران سیاسی و رهبران نهادهای جامعه دارند مربوط می‌شود (Brooks and Cheng, 2001: 1343-75)، اما واژه‌ای کلی که دارای دامنه وسیع‌تری است، اعتماد سیاسی نام دارد که علاوه بر موارد مطرح‌شده خود نظام سیاسی را هم شامل می‌شود (طالبی، ۱۳۸۷: ۲۰۸-۱۷۹).

ویر بر اساس اقتدار سنتی، کاریزماتیک و بوروکراتیک بیان کرد که ممکن است سه نوع رابطه اعتماد میان مردم و حکومت‌ها وجود داشته باشد. در جوامع سنتی مبنای اعتماد سیاسی پابندی حاکمان قدرتمند به سنت‌ها و آداب و رسوم قدیمی است. در جوامعی که ویژگی‌های خارق‌العاده و فرهنگ‌دانه حاکمان برای مردم با اهمیت است، حاکمان سیاسی فرهمند، اعتماد

6. Pantam

7. Giddens

8. Mistal

9. Barber

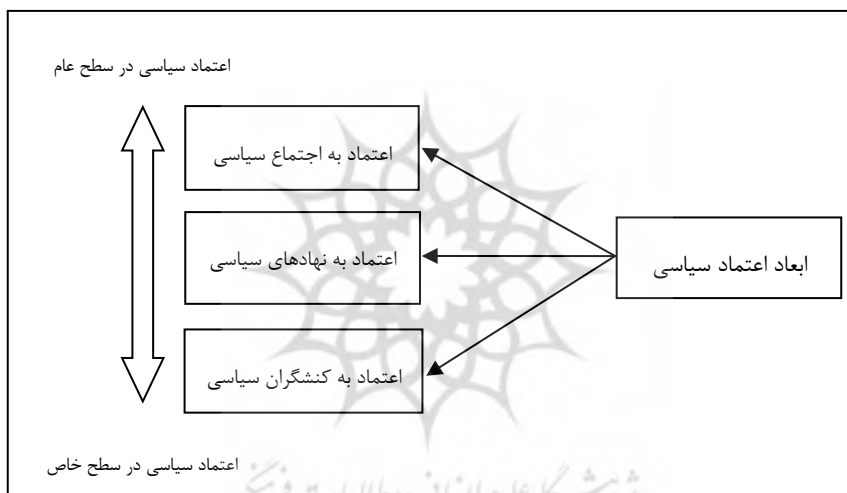
10. Hetherington

سیاسی را جلب می‌کنند و در جوامع مدرن، اعتماد سیاسی بر مبنای قانون و مقررات عقلانی استوار است. هابرماس اعتقاد دارد هر چه نسبت فضاهای عمومی نسبت به عرصه‌های خصوصی و حکومتی بیشتر باشد، میزان تفاهم و اعتماد متقابل در جامعه هم بیشتر خواهد بود. بنابراین، هر چه حکومتی در گسترش فضاهای عمومی کوشا تر باشد، به طوری که مخالفان به دور از هرگونه فشار و تطمیعی به گفتگوی نقادانه با اصحاب حکومت بپردازند، اعتماد مردم به حکومت‌ها بیشتر خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۷). اینگلهارت رضایت از زندگی و اعتماد متقابل را عامل مهمی در اعتماد سیاسی مردم می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۹). از نظر دورکیم اگر در جامعه‌ای انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالاست؛ رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق دیگران اعتماد را افزایش می‌دهد (میزتال، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۱). از نظر کلمن نیز اطلاعات نقش مهمی در اعتماد دارد. این در صورتی است که افراد بدانند که اعتماد کردن چه مواردی به نفع و چه مواردی به ضرر آنهاست، اما این امر همیشه به وقوع نمی‌پیوندد؛ زیرا آنها تنها به وعده‌هایی که نامزدهای انتخابات می‌دهند، اعتماد می‌کنند. از نظر وی عملکرد موفقیت‌آمیز دولت باعث افزایش اعتماد می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۰، ۲۹۶ و ۲۹۷).

گیدنز میان عواملی که اعتماد را ایجاد می‌کنند بین جوامع سنتی و مدرن تفاوت قائل است. او ایجادکننده اعتماد را در جوامع سنتی نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت و در جوامع مدرن نقش این عوامل را بسیار کم‌رنگ‌تر از پیش دانسته و عامل اصلی ایجادکننده اعتماد را نظام‌های انتزاعی می‌داند. در جوامع مدرن اعتماد به اصول شخصی و اعتماد به افراد ناشناس برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر شده است. وجه عمده اعتماد در این عصر پایبندی‌های بی‌چهره‌ای است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد. او ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی، به‌ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند و دولت را در عصر مدرن سازمان عمومی تلقی می‌کند که جدایی از آن با توجه به گسترش جهانی دولت‌های ملی امکان‌پذیر نیست. شخص تنها می‌تواند از کشوری به قلمرو حکومتی دیگر برود. اعتماد فعالانه نوع دیگری از اعتماد که خاص جوامع پسا سنتی است. در این جوامع هیئت سیاسی ملی تنها به یکی از مرجع‌های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون دیگر تبدیل می‌شود. بسیاری از آدم‌ها ممکن است به آنچه در زمینه سیاسی متعارف می‌گذرد، اهمیت ندهند؛ اما بسیاری از افراد به مراتب بیشتر از دوره مدرن به چگونگی حکومت شدنشان می‌اندیشند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۹۹، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۵۳).

از نظر/ستون اعتماد سیاسی مجموعه نگرش‌های مثبت نسبت به مسائل سیاسی است که این مسائل هم رژیم سیاسی و هم سرمداران قدرت در جامعه را شامل می‌شود. در واقع، اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (Gabriel, 1995: 357). از نظر بریتزر اعتماد سیاسی به ترتیب از سطح عام تا سطح خاص به سه قسمت اعتماد به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی تقسیم می‌شود که از این نظر کنشگران سیاسی افرادی هستند که توسط مردم انتخاب شده یا توسط مقامات منتخب مردم به مقامی منصوب شده و مسئولیت اجرایی را در سطوح بالا عهده‌دار می‌شوند (Bretzer, 2002: 7). بنابر نظر بریتزر می‌توان طبق شکل (۱) ابعاد را برای اعتماد سیاسی متصور شد.

شکل (۱) - ابعاد اعتماد سیاسی از نظر بریتزر

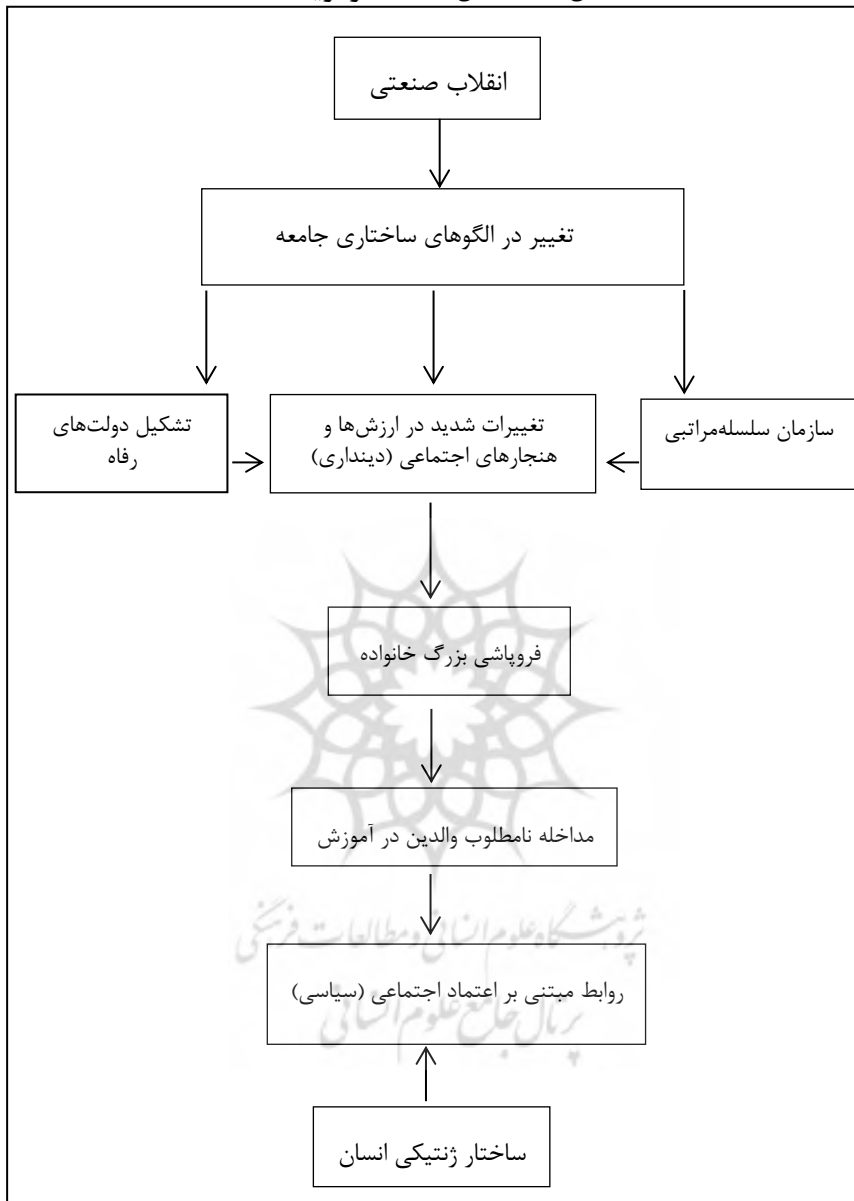


(Bretzer, 2002: 7)

الگوی دیگری که برای رابطه بین دینداری و اعتماد سیاسی بیان می‌شود، مدل فوکویاما است. فوکویاما بر اساس یکی از مفاهیم مفید در تبیین سرمایه اجتماعی شبکه اعتماد معتقد است که یکی از منابع سرمایه اجتماعی، ساختمان برون‌زاد است؛ به این معنی که هنجارها از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار گرفته می‌شوند، سرچشمه می‌گیرد. فوکویاما در این بحث می‌خواهد به این مفهوم برسد که اکثر مذاهب و ادیان از خارج وارد و بر مردم تحمیل می‌شوند. می‌توان گفت که او عامل دینداری را از شاخص‌های اعتماد سیاسی در جامعه می‌داند که در مشارکت سیاسی افراد نقش دارد (صدیقی، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۷۱). فوکویاما در بحث سرمایه و اعتماد اجتماعی به دو مفهوم مرتبط با آن تأکید دارد، نخست مفهوم هنجارهای غیررسمی و

دیگری، شبکه‌های اجتماعی است. او معتقد است روابط مبتنی بر اعتماد از طریق هنجارهای غیررسمی و در درون شبکه‌های اجتماعی پیچیده‌ای جریان دارد که در دو شکل متفاوت، اعتماد در شبکه‌های محلی با اقتصاد سنتی و اعتماد به نهادهای تأسیس شده در وضعیت ناشی از مدرنیته دیده می‌شود. او خاطر نشان می‌کند که اعتماد در جوامع با شبکه‌های محلی همچون چین، از سطح خانواده‌ها فراتر نمی‌رود. از نظر فوکویاما ارزش‌های سنتی و دینی نه تنها مانع و سد راه پیشرفت اقتصادی نیست، بلکه از آن جهت که این ارزش‌ها می‌توانند به‌عنوان هنجارهای غیررسمی مؤثر در روابط مبتنی بر صداقت و روحیه، تعاون و همکاری- اعتماد عمل کنند نه تنها بازدارنده نیستند، بلکه از عوامل پیشرفت محسوب می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۹: ۴۳-۷)، اما برای تبیین نقش منابع انسانی در اعتماد سیاسی باید به سرمایه اجتماعی توجه کرد. فراهم آوردن زمینه‌ها، متصل کردن حوزه‌های اجتماعی- سیاسی در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، تحقق جامعه مدنی و برقراری و تحکیم دموکراسی سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی می‌داند که موجب ارتباط و مشارکت اعضای یک جامعه می‌شود و منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. او سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده او بر اعتماد است. آنتونی گیدنز در کتاب پیامدهای مدرنیته می‌نویسد: «در دهه ۱۹۸۰، نقش افراد در جامعه بر اساس مرد یا زن تثبیت می‌شد، ولی اکنون باید نقش‌ها را بر مبنای ارتباط ارزیابی و قضاوت کرد». او می‌گوید: «برای برقراری ارتباط باید اعتماد ایجاد کرد. برای ایجاد اعتماد باید شرایطی فراهم شود تا مردم یک کشور بتوانند در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند. در مبحث اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، ایجاد اطمینان سیاسی بین مردم و باور آنها که نظام، صادق، کارآمد، مسئولیت‌پذیر و فداکار است سبب اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی و عدالت سیاسی می‌شود که باهم مشروعیت نظام را ایجاد می‌کنند و عدالت سیاسی در همه ابعاد قانونی، توزیعی و ارزشی باید مورد توجه قرار بگیرد» (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۱۵). در شکل (۲) مدل اعتماد فوکویاما آمده است.

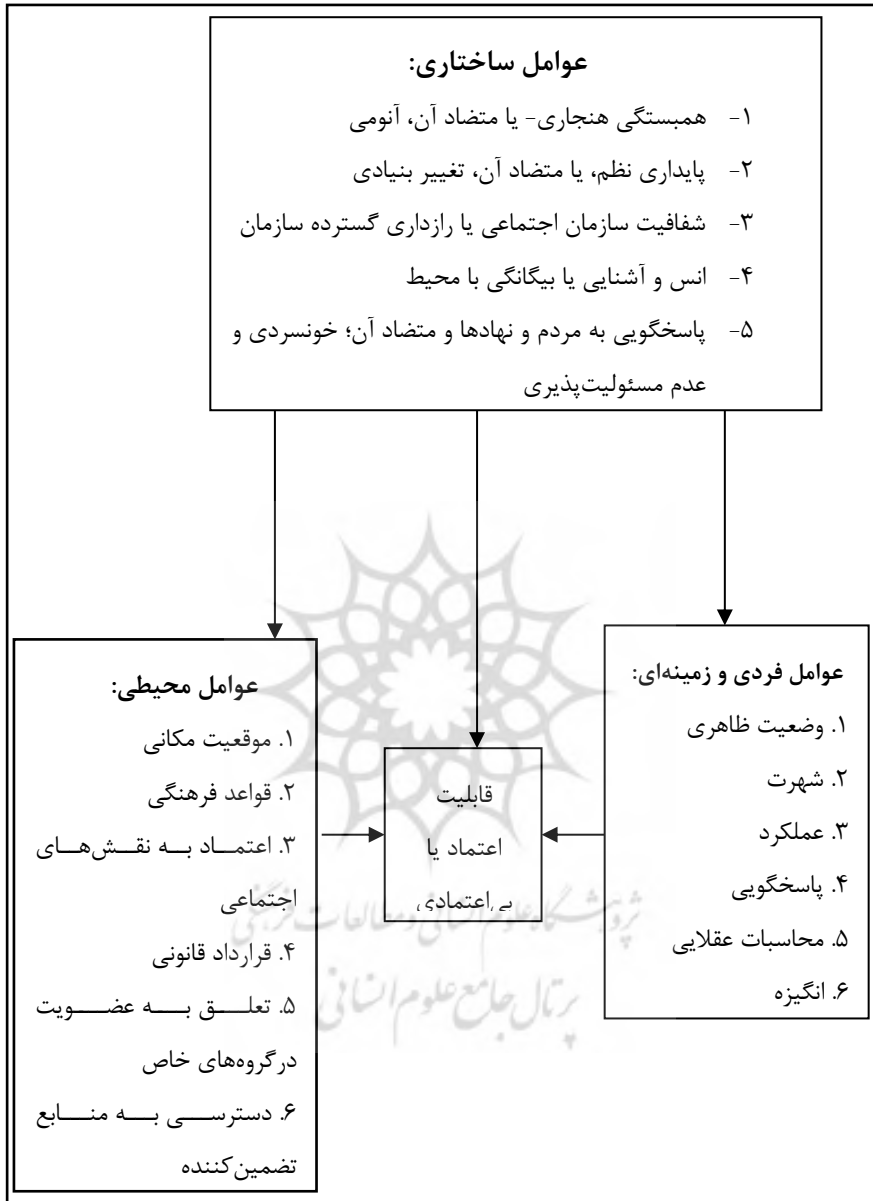
شکل (۲) - مدل اعتماد فوکویاما



(Fokuyama, 1995: 357)

همچنین در مدل زتومکا بر این مورد تأکید می‌شود که عوامل محیطی مانند قواعد فرهنگی بر اعتماد اثرگذار است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۰). این مدل را می‌توانید در شکل (۳) ملاحظه کنید.

شکل (۳) - مدل اعتماد زومکا



(زومکا، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۰)

در نگاره‌های شماره (۱) و (۲) شاخص‌های سنجش اعتماد سیاسی از نظر دانشمندان و بانک جهانی ارائه می‌شود.

نگاره شماره (۱) - شاخص‌ها و متغیرهای اندازه‌گیری اعتماد سیاسی از نظر دانشمندان

| متغیر | نظریه پرداز |
|---|-----------------|
| احساس مردم نسبت به سیاستمداران و خطمشی‌های آنها | سیتزین |
| گرایش به سمت رژیم سیاسی و سردمداران قدرت در جامعه | ایستون |
| رهبران سیاسی | لیپست و اشنايدر |
| حمایت از اجتماع سیاسی مانند ملت، کشور و قانون اساسی حمایت از امور اجرایی رژیم مانند دموکراسی حمایت از کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی مانند دولت، پارلمان، قوه قضائیه، بوروکراسی‌ها و احزاب | نوریس |
| میزان اعتماد افراد به سیستم و نظام سیاسی میزان اعتقاد افراد به کارگزاران فعال در نظام سیاسی میزان اعتقاد افراد به نهادهای سیاسی | بریتزر |
| دینداری حکام و پیوند قومی آن‌ها با مردم در جوامع سنتی تخصص، مهارت و توانایی کارگزاران سیاسی در جوامع مدرن | گیدنز |

(زاهدی، ۱۳۹۰: ۹۶-۷۳)

نگاره شماره (۲) - شاخص‌های مرتبط با اعتماد سیاسی به همراه مختصری از ویژگی‌های آن

| ردیف | شاخص | ویژگی |
|------|--|---|
| ۱ | ثبات سیاسی و عدم خشونت | این شاخص تجلی درک کلی از احتمال عدم ثبات و سقوط دولت‌ها به وسیله ابزارهای خشونت‌آمیز و خارج از موازین قانون اساسی کشورها است. |
| ۲ | انحراف از وجوه عمومی | میزان اعتماد مردم به دولت از حیث نحوه هزینه کردن وجوه عمومی را نشان می‌دهد. |
| ۳ | اعتماد عمومی به سیاستمداران | اعتماد کلی به سیاستمداران یک کشور را از دید شهروندان به نمایش می‌گذارد. |
| ۴ | استقلال نهاد قضایی | میزان استقلال نهاد قضایی از سایر نهادها به‌ویژه سیاست را به نمایش می‌گذارد. |
| ۵ | بار تحمیلی مقررات دولتی | میزان بار تحمیلی مقررات دولتی بر بخش‌های مختلف را از منظر شهروندان نشان می‌دهد. |
| ۶ | کارایی چارچوب‌های قانونی | کارایی چارچوب‌های قانونی در پاسخگویی به نیازهای جامعه را به تصویر می‌کشد. |
| ۷ | کارایی چارچوب‌های قانونی در به چالش کشیدن قوانین | میزان ظرفیت سیستم سیاسی کشورها در به چالش کشیدن قوانین جاری و انجام اصلاحات را نشان می‌دهد. |
| ۸ | شفافیت خطمشی‌گذاری دولتی | میزان شفافیت و صداقت نظام سیاسی با شهروندان را نشان می‌دهد. |
| ۹ | قابلیت اعتماد به سرویس‌های انتظامی | میزان تعامل سازمان‌های انتظامی با شهروندان را نشان می‌دهد. |
| ۱۰ | فرار مغزها | میزان عدم رضایت نخبگان جامعه از شرایط موجود را به تصویر می‌کشد. |

(دانایی فرد و نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۷-۴۷)

۲. تجربه کشورها در سنجش اعتماد سیاسی

نظریه‌های اصلی و تأثیرگذار در بحث اعتماد سیاسی به چهار دسته عمده تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱. نظریه‌های فرهنگی؛ ۲. نظریه‌های اقتصادی؛ ۳. نظریه‌های نهادی و ۴. نظریه‌های اثر رشوه و فساد بر اعتماد (Arancibia, 2008: 76).

کشورهای اروپایی را بر پایه سنجش اعتماد سیاسی به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. دموکراسی‌های باثبات مانند کشورهای غرب اروپا؛ ۲. دموکراسی‌های جدید مانند بیشتر کشورهای کمونیستی سابق در مرکز و شرق اروپا؛ ۳. دموکراسی‌های انتقالی مانند کرواسی، روسیه، اوکراین و بلاروس. نتیجه به‌دست آمده نشان می‌دهد در دموکراسی‌های با ثبات، اعتماد سیاسی بیشتر و در دموکراسی‌های انتقالی، اعتماد سیاسی کمتر است.
- سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای بنگلادش، بوسنی و هرزگوین، نروژ، جمهوری دومینیکن، آرژانتین و پرو با شاخص‌های زیر (با طیف ۲/۵- تا ۲/۵+) انجام شد:
۱. اعتماد به پلیس؛ ۲. اعتماد به اعضای پارلمان؛ ۳. محیط قانونی؛ ۴. نظام حقوقی و ۵. خدمات دولتی.

طبق این بررسی بنگلادش با ۲/۱، بوسنی و هرزگوین با ۱/۸، نروژ با ۱/۶ بیشترین حد اعتماد سیاسی را داشتند. این در حالی است که جمهوری دومینیکن با ۲/۴-، آرژانتین با ۱/۹- و پرو با ۱/۸- کمترین میزان اعتماد سیاسی را داشتند. اعتماد به دولت توسط طیف وسیعی از عوامل شامل هنجارهای فرهنگی، نرخ آموزش و پرورش، مهارت‌های شناختی و انتظارات عمومی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. حکمرانی خوب روی اعتماد به دولت تأثیر دارد. لزوم انجام تحقیقات بیشتر به‌منظور درک بهتر اعتماد به دولت احساس می‌شود. کیفیت پایین خدمات دولتی باعث افزایش نارضایتی و در نتیجه، کاهش اعتماد سیاسی می‌شود. از دست‌دادن اعتماد، از ساختن آن برای دولت‌ها راحت‌تر است. اعتماد به خدمات دولتی بیانگر اعتماد به دولت نیست. شکاف در جوامع بر اثر مهاجرت، اختلافات مذهبی، فرهنگی و جوامع بومی است و ممکن است باعث کاهش اعتماد سیاسی شود. اعتماد سیاسی به دولت ملی محدود نمی‌شود و به‌طور فزاینده‌ای مربوط به سطح فراملی است. از نظر اقتصادی اتحادیه اروپا موفق است، اما وحدت فرهنگی در بین جوامع آن وجود ندارد. *دلتون* در سال ۲۰۰۴ در تازه‌ترین مطالعه خود بیان کرد که اعتماد سیاسی در کشورهای پیشرفته صنعتی در حال کاهش است (Killerby, 2005: 3-15).

۲-۱. کشورهای اتحادیه اروپا

مرکز مطالعات اجتماعی اروپا در سال ۲۰۰۴ شاخص‌های زیر را برای اعتماد سیاسی مطرح کرد: ۱. اعتماد به پارلمان کشور؛ ۲. اعتماد به نظام حقوقی؛ ۳. اعتماد به پلیس؛ ۴. اعتماد به سیاستمداران؛ ۵. اعتماد به احزاب سیاسی؛ ۶. اعتماد به پارلمان اروپا و ۷. اعتماد به سازمان ملل متحد.

دسته‌بندی کشورها: ۱. کشورهای غربی مانند اتریش، بلژیک، فرانسه، آلمان، لوکزامبورگ، هلند و سوئیس؛ ۲. کشورهای شمالی مانند دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد؛ ۳. کشورهای آنگلو ساکسون مانند انگلیس و ایرلند؛ ۴. کشورهای جنوبی مانند اسپانیا، یونان و پرتغال و ۵. کشورهای شرقی مانند جمهوری چک، استونی، مجارستان، لهستان، اسلواکی، اسلوانی و اوکراین.

در نگاره شماره (۳) رتبه‌بندی اعتماد سیاسی از نظر شاخص‌های اعتماد به پارلمان و اعتماد به پارلمان اروپا آورده شده است.

نگاره شماره (۳) - رتبه‌بندی اعتماد سیاسی از نظر شاخص‌های اعتماد به پارلمان

کشور خود و اعتماد به پارلمان اروپا

| رتبه اعتماد | اعتماد به پارلمان کشور | اعتماد به پارلمان اروپا |
|-------------|------------------------|-------------------------|
| ۱ | شمالی | جنوبی |
| ۲ | غربی | شرقی |
| ۳ | انگلو ساکسون | شمالی |
| ۴ | شرقی | انگلو ساکسون |

دلایل تفاوت بین کشورها در ویژگی‌های کلان کشورها، متغیرهای نگرشی و شاخص‌های توسعه انسانی است. در این بررسی از مدلی با دو متغیر فاصله سیاسی و ارزیابی عملکرد استفاده شده است. سیستم انتخابات کشورهای اسکاندیناوی (شمالی) متناسب بوده و نمایندگان از همه گروه‌های سیاسی انتخاب می‌شوند؛ بنابراین کاهش اعتماد سیاسی بین گروه‌ها تقسیم می‌شود. کشورهای اسکاندیناوی (شمالی) به نسبت ثروتمند هستند و اقتصاد آنها در طول زمان رشد کرده است (Listhaug and Ringdal, 2007: 5-7).

۲-۲. جمهوری اسلامی ایران

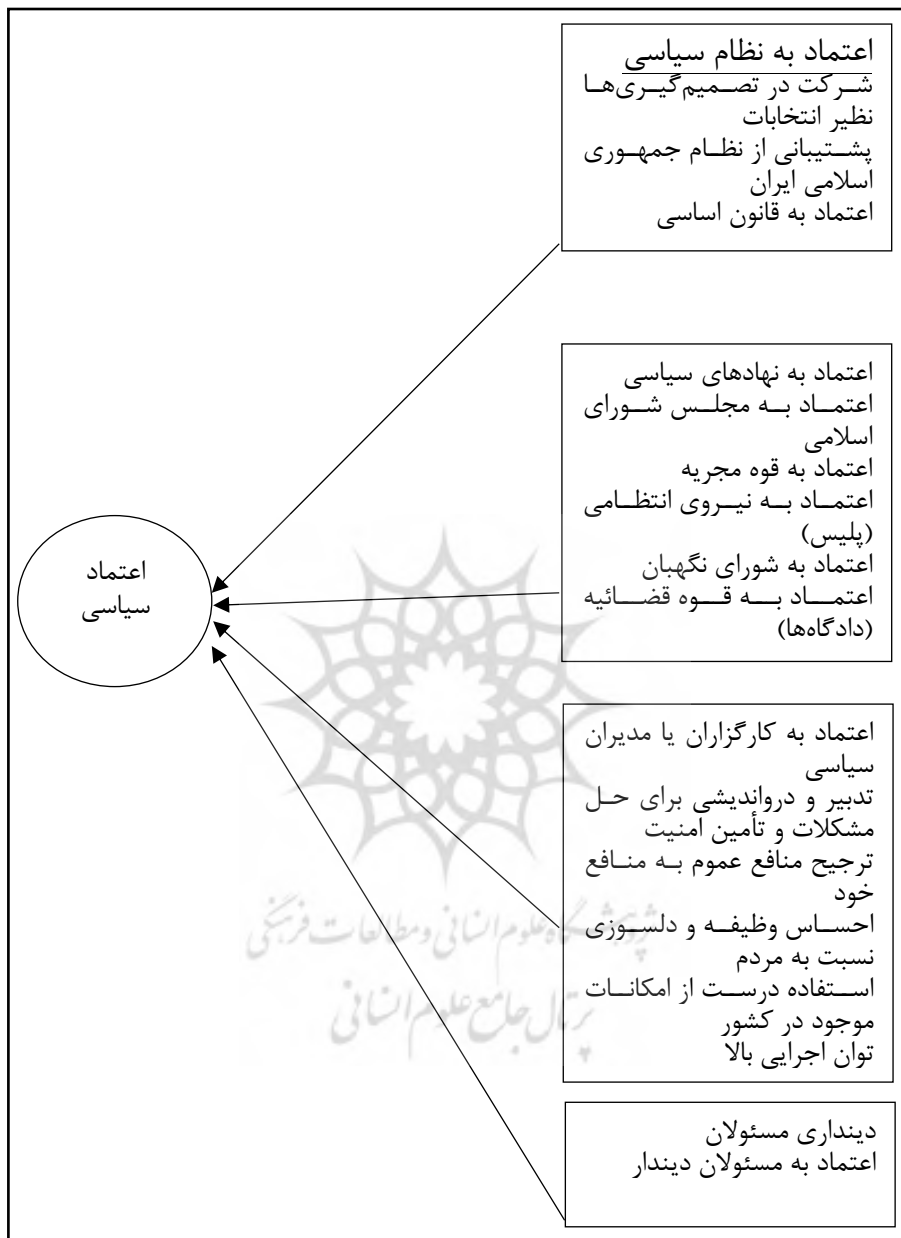
در کشور ایران، طبق ماده ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی اقداماتی انجام دهد. برابر بند ج ماده مذکور تصویب سازوکارهای اجرایی لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی اعم

از اعتماد سیاسی، وفاق اجتماعی، همبستگی ملی، انسجام و نظم اجتماعی و در نتیجه توسعه سیاسی و امنیت از جمله آنها است. بدیهی است منابع ملی وارده به دارایی کشور (خزانه دولتی) بین بخش‌های مختلف تقسیم و بازدهی تولید می‌شود، به این صورت که بین امنیت با رفاه رابطه‌ای مستقیم، اثرگذار و تأثیرپذیر وجود دارد. دولت هم باید مسائل نظامی و امنیتی و هم توسعه و رفاه را مدنظر داشته باشد و مدیریت کند؛ بنابراین وجود سرمایه اجتماعی پلی بین مجموعه اقتصاد، توسعه و امنیت است و فقدان آن سدی به‌مثابه بین آنهاست. جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد، دارای امنیت و توسعه می‌شود (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۱۵).

تحقیقات در باب سنجش شاخص‌های اعتماد سیاسی در ایران نشان می‌دهد که شاخص‌های زیر، به ترتیب اعتماد سیاسی را اندازه می‌گیرد:

۱. اعتماد به نهادهای سیاسی؛ ۲. اعتماد به نظام سیاسی و ۳. اعتماد به کارگزاران یا مدیران سیاسی (زاهدی، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۶). این شاخص‌ها همان شاخص‌هایی است که بریتزر در تحقیقات خود به آنها اشاره کرده است؛ بنابراین می‌توان مدلی به صورت شکل (۴) را برای سنجش اعتماد سیاسی در ایران در نظر گرفت. ریز مؤلفه‌های هر شاخص از تحقیقات مختلفی که در ایران پیرامون اعتماد سیاسی صورت گرفته، استخراج شده است.

شکل (۴) - مدل اعتماد سیاسی برای ایران



فرجام

در این مقاله سعی شد تا به پرسش‌هایی که در ابتدا مطرح شده بودند؛ یعنی اعتماد سیاسی را چگونه و با چه شاخص‌هایی می‌توان سنجید و وضعیت اعتماد سیاسی در کشورهای مختلف

چگونه است، پاسخ مناسبی داده شود. برای این کار مقایسه‌ای میان سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه اروپا و ایران صورت گرفت. ابتدا با بررسی و مطالعه متون مختلف، شاخص‌های متفاوتی که برای سنجش اعتماد سیاسی به کار می‌رفت، استخراج شد. شاخص‌های مربوط به سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه اروپا نیز بیان شد و مقایسه‌ای میان کشورهای اتحادیه اروپا انجام گرفت. این کار برای ایران نیز انجام شد که به صورت مؤلفه‌هایی در شکل شماره (۴) آورده شده بود. مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای ایران عبارتند از: اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به کارگزاران یا مدیران سیاسی و دینداری مسئولان که مؤلفه آخر با توجه به بافت مذهبی جامعه ایران انتخاب شده است. همچنین ریزمؤلفه‌های هر مورد نیز بیان شده است.

در نگاره شماره (۴) شاخص‌های جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه اروپا به منظور مقایسه آورده شده است.

نگاره شماره (۴) - مقایسه شاخص‌های سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه

اروپا و ایران

| ایران | کشورهای اتحادیه اروپا |
|------------------------------------|---------------------------|
| اعتماد به نظام سیاسی | اعتماد به پارلمان کشور |
| اعتماد به نهادهای سیاسی | اعتماد به نظام حقوقی |
| اعتماد به کارگزاران و مدیران سیاسی | اعتماد به پلیس |
| دینداری مسئولان سیاسی | اعتماد به سیاستمداران |
| | اعتماد به احزاب سیاسی |
| | اعتماد به پارلمان اروپا |
| | اعتماد به سازمان ملل متحد |

مقایسه حاکی از آن است که بسیاری از کشورها برای سنجش اعتماد سیاسی شاخص‌های مربوط به سطح فرهنگی و اقتصادی کشور خود را در نظر می‌گیرند. این در حالی است که پژوهشی هنوز در رابطه با تعیین مقیاس خاص کشورمان صورت نگرفته است. همچنین پژوهش‌های تجربی و کمی در این زمینه بسیار اندک است (سیدچامامی، ۱۳۹۱: ۲۱۶-۱۸۹). کشورهای توسعه‌یافته با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی، فرهنگی خاص خود اقدام به تعیین شاخص و سنجش اعتماد سیاسی کرده‌اند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که در ایران متغیری مانند دینداری مسئولان سیاسی حائز اهمیت است که با توجه به بافت مذهبی ایرانیان مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین بسیاری از متغیرها با توجه به نگرش‌های افراد سنجیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که برای سنجش اعتماد سیاسی استفاده

از مدل بومی می‌تواند راهگشا باشد. در خاتمه با توجه به کمبود تحقیقات در این زمینه پیشنهاد می‌شود شاخص‌های مناسب برای سنجش اعتماد سیاسی در ایران اتخاذ و در قالب پژوهشی ارائه شود.

منابع فارسی

- احمدی، قاسم (۱۳۸۱)، *اعتماد مردم به حکومت‌ها در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹)، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، موج دوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۷: ۱۰۸-۷۳.
- توسلی غلام‌عباس (۱۳۸۹)، «اعتماد و تعهد تلویحی تحلیل تجربی رابطه اعتماد اجتماعی با مفهوم تعهد تلویحی»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱: ۴۴-۷.
- دانایی‌فرد، حسن و رضا نقی‌زاده (۱۳۸۹)، «تبیین اعتماد سیاسی در کشورهای نفتی: آیا ثروت نفتی اعتمادساز است؟»، *پژوهش‌های مدیریت*، سال سوم، شماره ۱۰: ۶۷-۴۷.
- زاهدی، شمس‌السادات و محمد خانباشی (۱۳۹۰)، «اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۱۵، شماره ۴: ۹۶-۷۳.
- زومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
- ساعی، علی و تینا روشن (۱۳۹۲)، «تحلیل فازی اعتماد سیاسی استادان دانشگاه»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲: ۸۶-۵۹.
- سیدامامی، کاووس و رضا منتظری‌مقدم (۱۳۹۱)، «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۴: ۲۱۶-۱۸۹.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، *دانش سیاسی*، دوره چهارم، شماره ۷: ۱۷۹-۱۵۳.
- صدیقی، بهرنگ، لینا ملکمیان و مهدی اجاقی ازبری (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۱: ۱۸۸-۱۷۱.
- طالبی، ابوتراب، سیامک حیدری و سیاوش فاطمی‌نیا (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره سوم، شماره ۴: ۲۰۸-۱۷۹.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- کتابی، محمود، مهدی ادیبی‌سده، وحید قاسمی و ستار صادقی ده‌چشمه (زمستان ۱۳۸۹)، «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری»، *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، دوره ۲۱، شماره ۴۰: ۱۲۲-۹۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

- موسوی، میرطیب (۱۳۸۹)، «اندیشه سرمایه اجتماعی: وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی و امنیت ملی»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۳: ۱۳۸-۱۱۵.
- میزتال، باربارا (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک»، ترجمه ناصرالدین غراب، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۸: ۶۳-۶۱.
- هرسیج، حسین (۱۳۸۳)، «کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم‌سالار دینی»، *دانشگاه اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۱ و ۲۲: ۲۶۴-۲۳۹.

منابع لاتین

- Almond, G. A., & Verba, S. (2015), *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton University Press.
- Arancibia, C (2008), Political Trust in *Latin America*, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy (Political Science) in The University of Michigan.
- Bretzer, Y. N. (2004), How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital Does? *University of Gothenburg*, Sweden.
- Berg, A. M. (2005), Creating Trust? A Critical Perspective on Trust-Enhancing Efforts in Public Services , *Public Performance & Management Review*, Vol.28, No.4: 465-486.
- Brooks, C., & Cheng, S. (2001), Declining Government Confidence and Policy Preferences in the US: Devolution, Regime Effects, or Symbolic Change? , *Social Forces*, Vol.79, No.4: 1343-75.
- Fokuyama, F (1995), *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*; New York, The Free Press.
- Gabriel, O. W. (1995), Political Efficacy and Trust , *The impact of values*, 357-389.
- Gordon M. T (2000), Public Trust in Government , The USA Media as an Agent Accountability , *International Review of Administrative Sciences*, Vol.66, No.2: 297-310.
- Hetherington M. J (1998), The Political Relevance of Political Trust ; *American Political Science Review*, Vol.92, No.4: 791-808.
- Prewitt, K (1972), Political Efficacy , *International Encyclopedia of the Social Sciences*, New York: The Macmillan Company.
- Killerby, P., & Council, H. C. (2005), Trust me, I'm from the Government : The Complex Relationship Between Trust in Government and Quality of Governance, *Social Policy Journal of New Zealand*, Vol.25, No.1.
- Mungiu, Pippidi, A. (2015), Fixing Europe is about Performance, not Democracy , *Global Policy*, Vol.6, No.(S1): 115-126.

- Listhaug O, Ringdal K. (2007), Trust in Political Institutions: The Nordic Countries Compared with Europe , Presented at Statsvetenskaplig Fagkonferanse, 3° 5 January.
- Luhman N (1979), Trust and power ; New York, John Willey.
- Mishler, W., & Rose, R. (2001), What are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural theories in Post-Communist Societies , *Comparative Political Studies*, Vol.34, No.1: 30-62.
- Nyhan R. C (2000), Changing the Paradigm: Trust and Its Role in Public Sector Organizations ; *American Review of Public Administration*, Vol.30, No.1: 87-109.
- Putnam, R. D. (1995), Bowling Alone: America Declining Social Capital , *Journal of Democracy*, Vol.6, No.1: 65- 78.
- Putnam, R. D. (1995), Tuning in, tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America , *PS: Political science & Politics*, Vol.28, No.4: 664-683.
- Sabine T. K (2004), Trust-Building Strategies in Inter-Organizational Negotiations , *Journal of Managerial Psychology*, Vol.19, No.6: 640-660

